

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

نوشتار حاضر به این جهت تهیه و تنظیم گردیده است که چون تشکیل دادگاه های صلح، تغییرات عمده ای در نظام قضایی کشور ایجاد خواهد کرد و این تغییرات به طور ناگهانی و از روز راه اندازی دادگاه های صلح به یکباره رویه و آیین دادرسی دادگاه ها و دادرسی ها را تحت تاثیر قرار داده و شوراهای حل اختلاف را نیز صرفاً به مرجع صلح و سازش مبدل می نماید، لازم است جامعه حقوقی کشور اعم از قضات، وکلا و کار آموزان قضایی و وکالت هر چه سریع تر خود را با این تغییرات تطبیق داده و پاسخ ابهامات ایجاد شده به وسیله قانون را نیز به دست بیاورند. در نتیجه تلاش گردید تا تغییرات قانون و ارتفاع ابهامات پیش آمده به موجب آن در خصوص دادگاه های صلح به صورت موجز و در قالب ۶۰ نکته (۳۲ نکته اصلی و ۲۸ نکته فرعی) جهت بهره برداری جامعه حقوقی کشور در اختیار قرار گیرد.

طبیعتاً این نوشتار خالی از کاستی و ایراد نخواهد بود اما امید است که راهگشا و مفید افتد.^۱

مقدمه:

دادگاه های صلح به موجب قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ پیش بینی و مورد تقنین قرار گرفت. اما برخلاف رویه معمول قانونگذار، تشکیل دادگاه های صلح با اجرایی شدن قانون مورد اشاره محقق نگردید و قانونگذار در ماده ۴ قانون مقرر نمود که دادگاه های صلح ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن آن توسط قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان تشکیل و شروع به کار نمایند.

هرچند که قانونگذار در ماده ۳۶ قانون مورد اشاره نسبت به نسخ صریح قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ اقدام نموده است لیکن در ماده ۴۱ قانون جدید شوراهای حل اختلاف بیان داشته که تا زمان تشکیل دادگاه های صلح، شوراهای حل اختلاف به موجب قانون قبلی مصوب ۱۳۹۴ به کار خود ادامه خواهند داد. به بیان دیگر هرچند قانونگذار، قانون جدید شوراهای حل اختلاف را تصویب نموده است اما تا زمان تشکیل دادگاه های صلح، شوراهای حل اختلاف کما فی السابق بر اساس قانون قبلی شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ به کار خود ادامه خواهند داد. با تشکیل و راه اندازی دادگاه های صلح، قانون شوراهای حل

۱- محمد وهابی - بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران،

مهرماه ۱۴۰۳

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

اختلاف مصوب ۱۳۹۴ قابلیت اجرایی خود را از دست داده و دادگاه های صلح و شوراهای حل اختلاف براساس قانون جدید مصوب ۱۴۰۲ به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

پایان مهلت قانونی تشکیل دادگاه های صلح:

قانون جدید شوراهای حل اختلاف در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و برابر ماده ۴ آن می بایست ظرف یکسال از «تاریخ لازم الاجرا شدن» قانون تشکیل شود. با توجه به این که زمان انتشار قانون مورد اشاره در روزنامه رسمی به تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۱ بوده است، با احتساب مدت ۱۵ روز مقرر در ماده ۲ اصلاحی قانون مدنی، تاریخ لازم الاجرا شدن قانون به شکل عادی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ بوده است. لیکن با لحاظ مهلت یکساله قانونگذار و با در نظر گرفتن این نکته که براساس ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی هر سال برابر ۳۶۰ روز می باشد، آخرین مهلت قانونی برای تشکیل دادگاه های صلح مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ خواهد بود. به دیگر بیان تا تاریخ اخیرالذکر دادگاه های صلح می بایست در تمامی حوزه های قضایی شهرستان های کل کشور تشکیل شده باشد.

با توجه به این که قانون جدید شوراهای حل اختلاف در خصوص دادگاه های صلح تغییرات قابل توجهی به طور ویژه در خصوص مقررات آیین دادرسی و صلاحیت ها به وجود آورده است در متن حاضر سعی می شود تا تغییرات قانونی و نکات و ابهاماتی که بموجب این قانون ایجاد شده است در قالب نکته بیان گردد:

« شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

نکته ۱: دادگاه های صلح در حوزه قضایی شهرستان تشکیل می گردد. در حوزه قضایی بخش وظایف دادگاه صلح را دادگاه بخش طبق مقررات همین قانون به عهده خواهند داشت. (ماده ۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲)

نکته ۲: با تشکیل دادگاه های صلح، شوراهای حل اختلاف صرفاً در امر صلح و سازش مطابق احکام این قانون اقدام خواهند نمود. (ماده ۱۴ قانون)

نکته ۳: تمامی دعاوی، جرایم و اموری که قبل از تشکیل دادگاه های صلح در دادگاه ها (اعم از دادگاه عمومی حقوقی و دادگاه کیفری دو) ثبت شده بوده است و برابر قانون جدید در صلاحیت دادگاه های صلح قرار گرفته است، کماکان در همان مراجع رسیدگی خواهند شد. این در حالی است که پرونده های متشکله و

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

جریانی در دادرسی ها که مشمول صلاحیت دادگاه های صلح شده اند به محض تشکیل دادگاه های صلح می بایست به این محاکم ارسال شوند. (ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۱۶)

نکته ۴: اگر چنانچه پرونده های تحت صلاحیت دادگاه صلح در سایر مراجع قضایی مطرح شوند، مقام ارجاع موضوع را فوراً با دستور اداری به دادگاه صلح ارسال می نماید. (ماده ۲۸ آیین نامه قانون)

نکته ۵: با توجه به اینکه در متن قانون قواعد و مقررات مربوط به حل اختلاف میان دادگاه صلح و سایر مراجع قضایی پیشبینی شده است، به نظر می رسد در صورتی که مقام ارجاع، پرونده را به جهت این که در صلاحیت دادگاه های صلح نیست با دستور اداری برای مثال به دادگاه عمومی حقوقی ارسال نماید و دادگاه اخیرالذکر نیز خود را صالح ندانسته و دادگاه صلح را صالح بداند، اختلاف محقق شده است و دادگاه عمومی حقوقی می تواند پرونده را جهت تعیین مرجع صالح و حل اختلاف به مرجع قانونی ارسال نموده و نمی تواند به جهت این که پرونده بدون قرار عدم صلاحیت از دادگاه صلح واصل شده است، مجدداً پس از صدور قرار عدم صلاحیت آن را به دادگاه صلح ارسال نماید.

نکته ۶: صلاحیت های دادگاه صلح به شرح زیر است: (ماده ۱۲ قانون)

۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد ریال.

نکته ۱-۶: رئیس قوه قضاییه می تواند نصاب مذکور را هر سه سال یک بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه بانک مرکزی تعدیل نماید. (تبصره بند ۱ ماده ۱۲ قانون)

۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق.

۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند ۱ این ماده در صورتی که مشمول ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۰۱/۱۲/۱۳۹۱ نباشد.

نکته ۲-۶: ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مربوط به تکلیف دادگاه ضمن صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش مبنی بر تعیین تکلیف در خصوص جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و اطفال و حمل و سایر حقوق مالی زوجه می باشد.

به بیان دیگر صلاحیت دادگاه صلح برای رسیدگی به دعاوی مربوط به جهیزیه، مهریه و نفقه صرفاً در زمانی است که در جریان رسیدگی به طلاق نبوده و به صورت مجزا مطرح گردیده باشد.

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۳-۶: بنابراین رسیدگی به دعاوی مربوط به جهیزیه، مهریه و نفقه که بالاتر از نصاب بند ۱ (یک میلیارد ریال) باشد، همچنان در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد.

۴-دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره بها بجز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت.

۵-اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد.

نکته ۴-۶: هرچند در این بند، قانون‌گذار از لفظ «دعوا» استفاده نموده است و سخنی از «شکایت» به میان نیاورده، اما به نظر می‌رسد رسیدگی به دعاوی اعسار از پرداخت محکوم‌به در زمانی که موضوع محکومیت جزای نقدی یا دیه باشد نیز در صلاحیت دادگاه صلح می‌باشد.

۶-حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم ورقه آن.

۷-تأمین دلیل.

۸-تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۰۱/۱۳۷۹.

نکته ۵-۶: ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: «هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به صورت کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند.»

نکته ۶-۶: برابر تبصره ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به درخواست موضوع ماده ۱۸۶ با پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نکته ۷-۶: با توجه به اطلاق بیان قانونگذار، به نظر می‌رسد صلاحیت دادگاه صلح برای ایجاد سازش براساس ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی مدنی محدود به سقف صلاحیت دعاوی مالی دادگاه صلح و نیز سایر موارد تحت صلاحیت این دادگاه نبوده و دادگاه صلح می‌تواند مواردی را که مشمول صلاحیت آن نمی‌شود را از باب صلح و سازش مورد رسیدگی قرار داده و نسبت به صدور گزارش اصلاحی اقدام نماید.

۹-جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرایم غیرعمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی.

۱۰-جرایم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت.

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۸-۶: برابر تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون به کلیه جرایم تحت صلاحیت دادگاه صلح به صورت مستقیم و بدون نیاز به کیفرخواست رسیدگی صورت می‌گیرد. بنا بر این به پرونده هایی که با موضوع جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی در دادگاه صلح مطرح می‌شود، به طور مستقیم و بدون اینکه دادرسی در آن مدخلیتی داشته باشد بدون کیفرخواست رسیدگی خواهد شد.

۱۱-دعای اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام.

نکته ۹-۶: در خصوص این که رسیدگی به دعوی اصلاح کارت ملی در صلاحیت چه مرجعی است، می‌بایست گفت که با توجه به این که کارت ملی براساس محتویات شناسنامه صادر می‌گردد و با تغییر محتویات و مندرجات شناسنامه، اداره ثبت احوال برابر وظیفه قانونی نسبت به اصلاح کارت ملی اقدام خواهد نمود، در این خصوص لزومی به طرح دعوا متصور نمی‌باشد اما در هر صورت چنانچه دعوی اصلاح کارت ملی در دادگاه صلح مطرح شود با توجه به منحصر و توقیفی بودن موارد صلاحیت دادگاه صلح، این مرجع می‌بایست با قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه عمومی حقوقی ارسال نماید.

نکته ۱۰-۶: قانونگذار مرجع رسیدگی به دعوی تغییر نام را دادگاه صلح اعلام نموده است. اما در خصوص اصلاح یا تغییر نام خانوادگی سکوت نموده است. در این خصوص باید گفت با توجه به این که برابر ماده ۴۰ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ تغییر نام خانوادگی با سازمان ثبت احوال کشور است و نیز برابر ماده ۶ و تبصره ماده ۶ دستورالعمل اجرایی نام خانوادگی مصوب ۱۳۸۰/۰۷/۰۵ شورای عالی ثبت احوال هر کسی می‌تواند یک مرتبه و تحت شرایطی دو مرتبه نام خانوادگی خود را تغییر دهد، بنابراین اساساً تغییر نام خانوادگی در صلاحیت مراجع قضایی نبوده و توسط سازمان ثبت احوال کشور و ادارات زیرمجموعه آن صورت می‌گیرد.

نکته ۱۱-۶: اگر چنانچه در اثناء رسیدگی دادگاه صلح به جرایم قتل غیرعمدی یا ایراد صدمه بدنی غیرعمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی، ادعای قتل عمدی یا ایراد صدمه بدنی عمدی توسط شاکی مطرح شود دادگاه صلح چه اقدامی می‌بایست انجام دهد؟

به نظر می‌رسد با توجه به ادعای مطروحه دادگاه صلح می‌بایست پرونده را به دادرسی ارسال نمایند تا مراحل رسیدگی به ادعای قتل عمدی یا ایراد صدمه بدنی عمدی طی گردد و در صورت صدور قرار منع تعقیب یا

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

حکم برائت و قطعی شدن آن، اصل یا بدل پرونده مجدداً به دادگاه صلح اعاده شود تا دادگاه اخیر در خصوص جرایم غیرعمدی موضوع شکایت اولیه رسیدگی نماید.

نکته ۱۲-۶: قانونگذار رسیدگی به جرایم غیرعمدی ناشی از تصادفات رانندگی را به دادگاه صلح محول نموده است. اما آیا رسیدگی به جرایم غیرعمدی تصادفات راه آهن و مترو نیز مشمول بند مورد اشاره می گردد؟ به نظر می رسد با توجه به این که اطلاق عبارت «رانندگی» به راهبری لوکوموتیو و مترو محل تردید می باشد و از طرف دیگر رسیدگی و صلاحیت دادگاه صلح محدود، منحصر و توقیفی بوده و می بایست در خصوص آن به قدر متیقن اکتفا نمود، باید نتیجه گرفت که رسیدگی به جرایم غیرعمدی ناشی از تصادفات راه آهن و مترو در صلاحیت دادرسی و دادگاه های کیفری دو بوده و در ارتباط با دادگاه صلح نمی باشد.

نکته ۱۳-۶: با توجه به این که صلاحیت دادگاه صلح برای رسیدگی به جرایم عمدی صرفاً محدود به جرایم با مجازات های درجات ۷ و ۸ می شود، اگر چنانچه شخصی متهم به جرایم مستوجب مجازات های درجه ۷ و ۸ و غیر آن (برای مثال جرم درجه ۷ و ۶) باشد کدام مرجع صالح به رسیدگی خواهد بود؟

در این خصوص سه فرض محتمل می باشد:

الف- دادگاه صلح به کلیه جرایم رسیدگی نماید، ب- دادرسی به کلیه جرایم رسیدگی نماید و ج- این که هر کدام از این دو مرجع در خصوص جرایم تحت صلاحیت خود به صورت جداگانه رسیدگی نماید.

در پاسخ باید گفت با توجه به این که صلاحیت های دادرسی و دادگاه صلح به موجب قانون تفکیک شده است و علاوه بر آن قواعد مربوط به حل اختلاف بین دادرسی و دادگاه صلح در قانون تعیین شده است، بنابراین صلاحیت دادگاه صلح و دادرسی به نسبت هم از نوع ذاتی بود و هیچکدام صالح به رسیدگی جرایم تحت صلاحیت دیگری نمی باشد. از طرف دیگر برابر ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به اتهامات متعدد متهم باید «با رعایت صلاحیت ذاتی» توأمان و یکجا رسیدگی شود. در نتیجه با توجه به این که صلاحیت دادرسی و دادگاه صلح نسبت به یکدیگر از نوع ذاتی می باشد، رسیدگی به اتهامات متعدد متهم که در صلاحیت دو مرجع مورد اشاره باشد می بایست به صورت جداگانه صورت گیرد.

نکته ۱۴-۶: در خصوص جرایم تحت صلاحیت دادگاه صلح که توسط اطفال یا نوجوانان زیر ۱۸ سال انجام شود و همچنین در خصوص جرایم و مجازات های ۷ و ۸ افراد بزرگسال که مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب باشند رسیدگی توسط چه مرجعی صورت خواهد گرفت؟

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

به نظر می‌رسد با توجه به این که احکام مقرر در مواد ۳۰۳ و ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری به ترتیب در خصوص صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان تعیین تکلیف نموده است و احکام اخیر به عنوان حکم خاصّ مقدم محسوب می‌شوند در نتیجه حکم عام قانون جدید شوراهای حل اختلاف در خصوص صلاحیت برای رسیدگی به جرایم درجات ۷ و ۸ نمی‌تواند ناسخ مواد مورد اشاره قانون آیین دادرسی کیفری باشد. در نتیجه جرایم اطفال و نوجوانان همچنان حسب مورد در دادرسی ویژه نوجوانان و دادگاه اطفال و نوجوانان و همچنین جرایم مربوط به دادگاه انقلاب در همین مرجع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

نکته ۱۵-۶: در خصوص مقامات مورد اشاره در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری اگر چنانچه مرتکب جرایم تحت صلاحیت دادگاه صلح شوند رسیدگی به اتهامات آنان در کدام مرجع صورت خواهد گرفت؟

هرچند قانونگذار در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری از عبارت «دادگاه‌های کیفری تهران» و «دادگاه‌های کیفری مرکز استان» استفاده نموده است اما به نظر می‌رسد موضوع مدنظر قانونگذار در این مواد، صرفاً تغییر صلاحیت محلی دادگاه بوده است و از حیث ذاتی تغییری ایجاد نشده است. در نتیجه در حال حاضر با راه اندازی و تشکیل دادگاه‌های صلح باید نتیجه گرفت که به اتهامات مقامات مشمول مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مرتکب جرایم موضوع صلاحیت دادگاه صلح شوند می‌بایست حسب مورد در دادگاه‌های صلح شهرستان تهران و یا دادگاه‌های صلح مراکز استان‌ها رسیدگی صورت گیرد.

نکته ۱۶-۶: اگر دعوای مختلفی که یک یا برخی از آن در صلاحیت دادگاه صلح و یک یا تعدادی از آن در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی باشد علیه یک شخص مطرح شود تکلیف چیست؟

به نظر می‌رسد با توجه به تفکیک صلاحیت دادگاه صلح و اختصاصی بودن آن و از طرف دیگر ذاتی بودن صلاحیت دادگاه صلح و دادگاه عمومی حقوقی نسبت به یکدیگر، در چنین مواردی، هر مرجع می‌بایست به دعوای تحت صلاحیت خود رسیدگی نموده و در خصوص باقی دعوای، مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت نماید.

نکته ۱۷-۶: چنانچه دعوای طاری یا با ارتباط کامل علیه یک شخص مطرح شود که برخی از آن در صلاحیت دادگاه صلح و برخی در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی باشد، چه اقدامی متصور است؟ برای مثال دعوای الزام به اخذ پایان کار و الزام به اخذ صورت مجلس تفکیکی علیه یک شخص مطرح شود. می‌دانیم که اولی در صلاحیت دادگاه صلح و دومی در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است. در این موارد، تصمیم دادگاه چه خواهد بود؟

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

در پاسخ باید گفت قانون قدیم شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ در ماده ۲۱ بیان می داشت: «در مواردی که دعوای طاری یا مرتبط با دعوای اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضایی صالح به عمل می آید.» اما در قانون جدید شوراهای حل اختلاف، اثری از چنین مقرره ای نیست. لیکن با استفاده از ملاک ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی که اشعار می دارد: «اگر دعوای دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آن ها یکجا رسیدگی می نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد، در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد.» می توان نتیجه گرفت که چنانچه دعوای با ارتباط کامل که بخشی در صلاحیت دادگاه صلح و بخش دیگر در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی باشد در دادگاه عمومی حقوقی مطرح شود، مرجع اخیر می بایست به همه دعوای یکجا رسیدگی نماید؛ چرا که این مرجع واجد صلاحیت عام می باشد. اما چنانچه این دعوای در دادگاه صلح مطرح شود، دادگاه می بایست نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت در خصوص کلیه خواسته های مرتبط به شایستگی دادگاه عمومی حقوقی اقدام نماید.

نکته ۷: براساس تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون، دادگاه صلح «در صورت رضایت طرفین» پرونده را به مدت ۲ ماه جهت صلح و سازش به شورای حل اختلاف و یا به میانجیگری ارجاع می نماید. نحوه بیان تبصره چنین متبادر می سازد که دادگاه صلح در صورت تقاضای طرفین، مکلف است پرونده را جهت ایجاد سازش به شورای حل اختلاف یا میانجیگری ارجاع نماید و امکان مخالفت با درخواست طرفین وجود ندارد.

نکته ۸: براساس تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون، دادگاه صلح می تواند در ساعات غیر اداری یا در روزهای تعطیل نیز به دعوای رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورا بلامانع است.

نکته ۹: در صورت وقوع اختلاف در صلاحیت بین دادگاه صلح با سایر دادگاه های صلح یا دادرها یا دادگاه های حقوقی و کیفری و دادگاه بخش حوزه قضایی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است. (بند الف تبصره ۴ ماده ۱۲)

نکته ۱۰: در صورت وقوع اختلاف بین دادگاه صلح با سایر دادگاه های صلح و دادرها و دادگاه های حقوقی و کیفری یا دادگاه بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضایی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است. (بند ب تبصره ۴ ماده ۱۲)

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۱۱: در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود. تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است. (بند پ تبصره ۴ ماده ۱۲)

نکته ۱-۱۱: تبصره فوق بر خلاف ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تنظیم شده‌است که تعیین مرجع صالح در چنین شرایطی را از اختیارات دیوان عالی کشور دانسته‌است. در نتیجه به حکم قانون، دادگاه‌های صلح از شمول ماده ۲۸ قانون مورد اشاره خارج می‌باشند.

نکته ۲-۱۱: براساس تبصره ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۵/۰۷) در صورتی که مراجع قضایی رسیدگی به موضوع را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی بدانند و نیز در صورتی که عکس قضیه صادق باشد، پرونده به‌طور مستقیم به مرجع صالح ارسال می‌گردد. به نظر می‌رسد به جهت خاص بودن حکم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، استثنای مورد اشاره در خصوص دادگاه‌های صلح نیز کماکان به قوت خود باقی باشد. در نتیجه چنانچه دادگاه‌های صلح رسیدگی به موضوع را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی بدانند می‌بایست پرونده را به‌صورت مستقیم به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال نمایند.

نکته ۱۲: براساس تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون، آراء دادگاه صلح قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف-دعای مالی به خواسته یا ارزش بیش از ۵۰۰ میلیون ریال.

نکته ۱-۱۲: هرچند برابر بند ۱ ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی احکامی که خواسته آن بیش از بیست میلیون ریال تعیین شده است قابلیت فرجام خواهی دارد، لیکن با توجه به این که قابلیت فرجام خواهی در این بند منوط به عدم تجدیدنظرخواهی می‌باشد و از طرفی برابر قانون جدید شوراهای حل اختلاف احکام دعای مالی تا سقف پانصد میلیون ریال اساساً غیر قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد، این دعای قابلیت فرجام خواهی را نیز ندارد.

ب-دعای حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق.

ج-دعای راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه.

د-دعای و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها بجز دعای مربوط به سرقفلی و حق کسب یا پیشه یا تجارت.

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

ه- دیه یا ارش ناشی از جرایم غیر عمدی مربوط به کار یا تصادفات رانندگی در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها معادل یک دهم دیه کامل یا بیشتر باشد.

و- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ز- جنبه عمومی جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی در صورتی که مجازات قانونی آن درجه ۶ یا بیشتر (سنگین تر) باشد.

ک- جرایم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه ۷ باشد.

نکته ۲-۱۲: به طور کلی آراء صادر شده از دادگاه‌های صلح در خصوص جرایم تعزیری تحت صلاحیت آن، (اعم از عمدی یا غیر عمدی) در صورتی که مجازات قانونی از درجات ۷ یا ۸ باشد، قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است؛ مگر در خصوص جرایم عمدی مستوجب حبس تعزیری درجه ۷ که قابل تجدیدنظر می‌باشد.

نکته ۱۳: برابر ماده ۱۵ قانون، مقام رسیدگی کننده، اجرا کننده و ارجاع کننده می‌توانند در کلیه جرایم قابل گذشت به استثنای مواردی که متهم، متواری یا مجهول‌المکان است و در اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و حقوقی و پس از اتخاذ تصمیم در خصوص امور فوری و با لحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم، جلوگیری از فرار متهم و رعایت حقوق شاکی و نظم عمومی، پرونده را قبل از ثبت، با ذکر دلیل جهت صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارجاع نمایند.

نکته ۱۴: برابر تبصره ماده ۱۵ قانون، مقامات رسیدگی کننده، ارجاع کننده و اجراء کننده مکلفند قبل از ارجاع پرونده به شورا از عدم مخالفت طرفین پرونده با ارجاع پرونده به شورا اطمینان حاصل کنند و شورا قبل از شروع به رسیدگی به پرونده‌های موضوع این ماده، طرف یا طرفین پرونده را از حق مخالفت با ارجاع پرونده به شورا مطلع سازد.

نکته ۱-۱۴: آنچه مقامات مورد اشاره در تبصره به آن مکلف شده‌اند، «اطمینان از عدم مخالفت طرفین پرونده» می‌باشد نه «اطمینان از موافقت طرفین پرونده» با ارجاع به شورا. در نتیجه صرف ابلاغ کتبی و عدم مخالفت صریح طرفین پرونده کافی برای ارجاع پرونده به شورا می‌باشد.

نکته ۲-۱۴: عبارت «اطمینان از عدم مخالفت طرفین پرونده» مستلزم آگاهی و اطلاع طرفین از تصمیم مراجع قانونی برای ارجاع پرونده به شورا و عدم مخالفت آنان است. در نتیجه به نظر می‌رسد در خصوص تبصره ماده ۱۵، ابلاغ قانونی کافی نبوده و لازم است ابلاغ به صورت واقعی (مشاهده شده) صورت گرفته و آنگاه در

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

صورتی که طرفین پرونده مخالفتی را در مهلت اعطایی ابراز نمایند، مجوز قانونی برای ارجاع پرونده به شورا حاصل می‌گردد.

نکته ۳-۱۴: در خصوص تبصره ماده ۱۵ قانون، برقراری تماس تلفنی با طرفین پرونده و پاسخگو نبودن آنان نمی‌تواند موجبی برای حصول اطمینان از عدم مخالفت طرفین باشد؛ اما چنانچه طرفین پرونده به صورت تلفنی موافقت خود را با ارجاع پرونده به شورا اعلام نمایند، ارجاع پرونده به شورا بلامانع خواهد بود.

نکته ۴-۱۴: آیا برای ارجاع پرونده موضوع ماده ۱۵ به شورا، عدم مخالفت همه اشخاص دو طرف پرونده لازم است یا این که اگر عدم مخالفت دو نفر از طرفین پرونده ای که دارای دونفر یا بیشتر خواهان و خوانده و شاکی و مشتکی عنه است محرز شود، ارجاع به شورا مجاز خواهد بود؟

در پاسخ باید گفت با توجه به قسمت اخیر تبصره ماده ۱۵ قانون که از عبارت «طرف یا طرفین پرونده» استفاده شده است و همچنین توجهاً به تبصره ماده ۱۳ قانون که مخالفت طرف دیگر پرونده را موجب ختم رسیدگی شورا و بایگانی پرونده دانسته است، به نظر می‌رسد ارجاع پرونده به شورا جهت صلح و سازش براساس ماده ۱۵ قانون مستلزم احراز عدم مخالفت کلیه اصحاب پرونده می‌باشد.

نکته ۵-۱۴: اگر خواهان یا شاکی ضمن دادخواست یا شکوائیه به عدم تمایل خود به ارسال پرونده به شورا توسط مرجع قضایی تصریح کرده باشد، موجبی برای استفاده از ماده ۱۵ و کشف و احراز عدم مخالفت اصحاب پرونده توسط مرجع قضایی وجود نخواهد داشت.

نکته ۱۵: آیین دادرسی و ترتیبات رسیدگی، صدور رأی و اجرای احکام دادگاه صلح به غیر از مواردی که در قانون جدید شوراهای حل اختلاف حکمی تعیین شده است، تابع قوانین و مقررات حاکم بر دادگاه‌های حقوقی و کیفری است. (ماده ۱۷ قانون)

نکته ۱۶: برابر قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون، در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی نیز در شورا مجاز است. حال سوال این است که آیا چنانچه پرونده با وکیل مدنی در شورا جهت سازش مطرح شود و سپس همان پرونده به دلایل قانونی در دادگاه صلح مطرح گردد آیا وکیل مدنی همچنان مجاز به مداخله خواهد بود یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به استثنایی بودن حکم ماده مورد اشاره، پاسخ منفی خواهد بود.

نکته ۱۷: برابر ماده ۱۹ قانون، هزینه دادرسی در دادگاه‌های صلح حسب مورد مطابق هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۱۸: در صورتی که پرونده از سوی مرجع قضایی جهت صلح یا سازش به شورا ارجاع شود، چنانچه هزینه دادرسی پرداخت شده باشد، هزینه دادرسی مجدد دریافت نمی‌شود. (تبصره ماده ۱۹)

نکته ۱۹: در کلیه دعاوی مالی ارجاعی از مراجع قضایی به شورا که هزینه دادرسی در مرجع قضایی پرداخت شده‌است، در صورت حصول سازش بین طرفین، هزینه دادرسی به نصف کاهش می‌یابد و مازاد به خواهان بازگردانده می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۲۰ قانون)

نکته ۲۰: از جمع مواد ۲۰ و ۲۶ قانون چنین استنباط می‌شود که چنانچه پرونده در اجرای ماده ۱۵ توسط مرجع قضایی به شورا ارسال شده باشد و در شورا منتهی به صلح و سازش گردد، شورا موظف است نتیجه را به همراه تصویری از گزارش اصلاحی به مرجع قضایی ارسال نماید. در ادامه ابتدا مرجع قضایی می‌بایست نسبت به تأیید گزارش اصلاحی اقدام نماید و سپس پرونده را با دستور اداری مختومه نماید.

نکته ۲۱: مستفاد از ماده ۲۶ قانون این است که گزارش اصلاحی شورا بدون تأیید قاضی دادگاه صلح فاقد قابلیت اجرا می‌باشد و پس از تأیید دادگاه صلح قابل اجرا است.

نکته ۲۲: برابر تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون: «رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضایی است.» با توجه به این که اساساً شوراهای حل اختلاف با اجرایی شدن قانون جدید صلاحیتی برای «رسیدگی به دعاوی» نداشته و صرفاً جهت صلح و سازش اقدام می‌نمایند، به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از تبصره ۴ ماده ۲۱ این است که شوراهای حل اختلاف در خصوص دعاوی راجع به اموال غیرمنقول فاقد سند رسمی حتی جهت صلح و سازش نیز صلاحیت و شایستگی مداخله ندارد.

نکته ۲۳: چنانچه پرونده در اجرای ماده ۱۳ قانون (به درخواست خواهان، مدعی خصوصی یا شاکی) در شورا مطرح شد باشد و با برگزاری حداقل دوجلسه ظرف سه ماه منتهی به سازش بین طرفین نشود، پرونده در شورا بایگانی می‌گردد. اما در صورت درخواست خواهان، مدعی خصوصی یا شاکی، پرونده به مرجع صالح قضایی ارسال می‌گردد. (ماده ۲۱ قانون)

نکته ۱-۲۳: با توجه به این که رسیدگی شورا به درخواست خواهان، مدعی خصوصی یا شاکی و صرفاً جهت صلح و سازش انجام گرفته است، با درخواست اشخاص فوق برای ارسال پرونده به مرجع قضایی، مشارالیه می‌بایست نسبت به پرداخت هزینه دادرسی مرجع قضایی نیز وفق مقررات اقدام نمایند.

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۲۴: چنانچه پرونده در اجرای ماده ۱۵ قانون (به دستور مرجع قضایی) در شورا مطرح شده باشد و با برگزاری حداقل دو جلسه ظرف سه ماه منتهی به سازش بین طرفین نشود، پرونده به همراه گزارش اقدامات و نتیجه توسط شورای حل اختلاف به مرجع قضایی ارسال می‌گردد. (ماده ۲۱ قانون)

نکته ۲۵: در صورت استرداد درخواست یا دعوا از سوی خواهان یا مدعی خصوصی، شورا اقدام به بایگانی پرونده می‌نماید. چنانچه پرونده از مراجع قضایی ارجاع شده باشد، مراتب به آن مرجع اعلام می‌شود. (ماده ۲۲ قانون)

نکته ۲۶: بموجب ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳/۰۳/۱۶: «ارسال پرونده‌ها به منظور صلح و سازش از دادگاه صلح یا سایر مراجع قضایی به شعب شورا یا اعضای شورا در اجرای تبصره (۲) ماده (۱۲) قانون با تعیین وقت نظارت و بدون کسر از آمار شعبه صورت می‌گیرد.»

نکته ۱-۲۶: بدیهی است که حکم ماده فوق در خصوص مرجع ارجاع، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

نکته ۲۷: تصحیح گزارش اصلاحی که توسط شورا تنظیم شده است در اختیار و صلاحیت شورا نبوده و برابر ماده ۲۴ قانون چنانچه در تنظیم یا نوشتن گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا سهو قلم رخ بدهد، تصحیح گزارش یا تصمیم مذکور رأساً یا با درخواست ذنفع توسط دادگاه صلح انجام می‌شود.

نکته ۲۸: برابر تبصره ماده ۲۵ قانون، گزارش اصلاحی شورا قطعی است. اما صدر ماده ۲۵ اعتراض طرفین به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا را قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضایی دانسته است. در نتیجه بهتر آن بود که قانون‌گذار به جای قطعی اعلام کردن گزارش اصلاحی، چنین بیان می‌کرد که اعتراض (تجدیدنظرخواهی) نسبت به گزارش اصلاحی مانع اجرای آن نمی‌باشد.

نکته ۲۹: در صورت اعتراض (تجدیدنظرخواهی) و یا اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی یا تصمیم شور، دادگاه صلح همان حوزه قضایی به اعتراض رسیدگی و در صورت نقض تصمیم شورا، دادگاه صلح رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر می‌نماید. (ماده ۲۵ قانون)

نکته ۳۰: توقف اجرای گزارش اصلاحی تنها در یک مورد پیشبینی شده است و آن در صورتی است که یکی از طرفین به دلیل عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته، به گزارش اصلاحی اعتراض داشته باشد. در این حالت با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌شود. (تبصره ماده ۲۵ قانون)

«شصت نکته در باب دادگاه های صلح»

محمد وهابی

بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران

نکته ۳۱: در خصوص این که مهلت اعتراض (تجدیدنظرخواهی) و اعتراض ثالث چقدر است، قانون شوراهای حل اختلاف حکمی ندارد. اما با توجه به ماده ۱۷ همین قانون می بایست مدت تجدیدنظرخواهی را برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه طبق ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۴۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری دانست و در خصوص اعتراض ثالث نیز قائل به عدم وجود مهلت قانونی بود.

نکته ۳۲: تصمیم یا رأی دادگاه صلح در رسیدگی به اعتراض به گزارش اصلاحی یا تصمیم شورا و نیز در اعتراض ثالث به تصمیم یا گزارش اصلاحی شورا قطعی است. چرا که برابر تبصره ۵ ماده ۱۲ قانون جدید شوراهای حل اختلاف، آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد مستثنی شده ی همان تبصره.

